

مسئله آن که...

پاینده ایران

در اجتماع بزرگ بازار ایران تهران به مناسبت میلاد خجسته حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) در اجتماع بزرگ بازار ایران تهران به مناسبت میلاد خجسته حضرت علی ابن موسی الرضا (ع)

مفتی سخنرانی

آقای داریوش فروهر

در اجتماع بزرگ بازار ایران تهران به مناسبت میلاد خجسته حضرت علی ابن موسی الرضا (ع)

دهم ذیقعد ۱۳۹۷
دوم آبانماه ۱۳۵۶

بنام خداوند جان آفرین
پناه جهان پشت ایران زمین

بیش از آغاز به سخن در سوگی یکی از بزرگترین رادمردان تاریخ ایران که روح تازه‌ای به مبارزات ملی و مذهبی دمیده است شرکت جسته ، بنام شما و بنام همه ملت ایران درگذشت حضرت حجت الاسلام حاج سید مصطفی خمینی را به پدر و والاتبارش حضرت آیت الله العظمی خمینی مرجع تقلید شیعیان جهان تسلیت میگویم و از همه میخواهم به احترام درگذشت مردی که خود مجاهدی خستگی ناپذیر بود و من افتخار داشتم با او هم زنجیر و در زندان شاهد متانت ، بلند همتی و سرسختی او باشم بایستند و یک دقیقه سکوت کنند .

(اجتماع کنندگان بی‌نا خاستند و یک دقیقه سکوت کردند)

x x x

امشب به مناسبت میلاد خجسته امام رضا علیه السلام به کوشش گروهی از بازاریان آزاده این اجتماع تشکیل و این فرصت به من داده شده است که در یکی از بحرانی‌ترین هنگامهای زندگی ملی یا بهره‌گیری از آزمونهای تاریخی تا آنجا که می‌توانم وضع کنونی کشور را به اختصار بررسی کنم .
مردم ایران وجود شریف " ائمه اطهار " را چه در قید حیات ظاهری باشند ، چه نباشند پر برکت می‌دانند و امام را همیشه " حق و حاضر " و " ناظر " بر سرنوشت خود بحساب می‌آورند .
این گرد هم آیی از برکت وجود امامی است که با حرکت به ایران ، نعمت بسناری به این سرزمین خدایی داد چه ایرانیان پس از این حرکت و مهاجرت‌های دیگری که توسط علویان و ناوآوران به امامت به میهن ما صورت گرفت اسلام واقعی را شناخته و اسلام اموی و عباسی ، یعنی اسلام حکومتی که پاسداز برتری تازیان بود با افراشته شدن پرچم رضوی در این آب و خاک بتدریج نفوذ خود را از دست داد .
به دیگر سخن باید گفت نهضت فرهنگی ، سیاسی و نظامی شعوبیه و دیگر جنبشهای شیعیان آگاه در این فلات گسترده مردم را با روح اسلام آشنا ساخت و کراهت پذیرش سلطه بیگانه جای خود را به آنچنان شور و شوق مذهبی داد که در تار و پود زندگی اجتماعی بافتی نو پدید آورد و گرانه نیست اگر بگوییم غالب اندیشمندان جهان اسلام از جویندگان بر طراوتی سیرآب شده‌اند که سرچشمه های جوشانش در بطن و متن فرهنگی جامعه ما قنرار داشته است .

این رویداد بزرگ تاریخی که از میراث‌های پرازش بشری است و به استمرار اسلام راستین و بقای زندگی ملی ما مندر رسانده ، بی شک بخش عمده اش در پیوستگی جنبش‌های گوناگون علویان با تلاش‌های ایرانیان در جبهت یک زندگی انسانی همراه با استقلال و آزادی بوده است .
پس از مرگ نیزتربیت پاک " امام هشتم " همواره پناهگاه مردم ایران در برابر یورش قوم‌های خارجی و

زورگویی ها و ستمگریهای سلاطین و حکام و امرا بوده است و هم میهنان ما در سختی ها و تنگدستی ها سر بر آستان این خورشید خاوران فرو می آورند و او را " معین الضعفاء و الفقرا " می دانستند .
امشب با گفتار خطیب ارجمند حجت الاسلام آقای صادقی منزلت عالی حضرت امام رضا علیه السلام بر همه ما روشن شد و برای من با اندک بضاعتی که دارم دیگر جای سخنی در این زمینه نمی ماند و ناگزیر در فرصتی که هست دامنه گفتار را به آنچه ضرورت زمان ایجاب می کند می کشانم .
همه شما بیش و کم می دانید که افزون برد و قرن است ، میهن ما بطور مستقیم و غیر مستقیم تحت سلطه استعمارگران درآمده است .

ما در زمانه ای بس فضیلت سوز بسر می بریم که همه ارزشهای اخلاقی بازیچه استبداد و وابسته به بیگانه قرار گرفته و فزاینده گی تنگناهای سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان سهمگین شده است که هر ایرانی آگاه را به چاره جویی بر می انگیزد .

در این دو بیست ساله دسیسه های گوناگون استعماری همچون تجزیه کشور ، فاسد کردن حکومت مرکزی ، ایجاد اغتشاش و ناامنی در ایالات و ولایات ، گرفتن امتیازهای پر شمار ، کشتار میهن دوستان و زمامداران ملی ایجاد انقطاع فرهنگی تحت نام اقتباس تمدن فرنگی و رونق دادن به اندیشه های ضد مذهبی و غیر ایرانی همچون بابیگری ، بهائیکری و فراماسونری و دهها هنجار ناشایست و ضد انسانی دیگر در جمع رفتارهایی بودند که میهن ما را از لحاظ فرهنگی بی هویت می کرد و از لحاظ سیاسی و اقتصادی به درهم ریختگی سوق میداد و تار و پود زندگی اجتماعی را به گسست می کشاند .

در برابر نابسامانیهایی که حرکت را از جامعه سلب می کرد و رشته های همه دگرگونی ها را به سلطه گران بیگانه پیوند می داد بنا بر ضرورت تاریخی نیروهای بنیاد مند اجتماعی به ایستادگی و دفاع از هستی ملی پرداختند .

برای بررسی نقش این نیروهای اجتماعی ناگزیر باید ساخت جامعه ایرانی را آنچنانکه هست و تاریخ نشان میدهد شناخت نه آنگونه که پژوهشگران بیگانه خواسته اند با الگو قرار دادن ساخت جامعه های دیگر یا با گمان پروریهای خود ترسیم کنند .

در طول تاریخ ایران نیروهای اجتماعی را که بر حسب نیاز ملی ، دگرگونی های سیاسی ایجاد کرده اند میتوان بطور کلی به دو بخش کرد :

۱- نیروهای کوچ نشین و روستایی

۲- نیروهای شهر نشین

بنی آنکه به شرح بافت درونی این دو نیرو بپردازم در رابطه با جنبه دینی کرده ام آبی امشب بجاست یاد آور شوم که جامعه روحانیت همواره در کنار این هر دو به عنوان پایگاه اصلی دفاع از حقوق مردم خود نمایسی کرده است و این به دلیل دربرگیری رهنمودهای تشیع است که هرگز وظیفه روحانیت را در چارچوب

تکلیف های عبادتی محدود نکرده است و چکیده سخن آنکه جامعه روحانیت جز در زمانهای کوتاهی که به علت ضعف درونی یا عدم آگاهی از خط حرکت اصلی اجتماع بدور میباندند همواره در برابر سلطه گریهای بیگانه و استبداد دیوانیان نقش هدایت کنندگی و ارشاد داشته است، بخصوص از زمانی که به استقلال سیاسی و به دنبال آن استقلال اجتماعی و اقتصادی ایران خدشه وارد شد، این نقش تاریخی نمایانتر گردید چه دفاع از قلمرو اسلام در برابر اجنبی یکی از اساسی ترین وظیفه های دینی می باشد.

جامعه روحانیت که به حکم رسالت خود در رابطه با مردم بوده و با زندگی روزمره آنها در کوچکترین روستاها و بزرگترین شهرها سروکار داشته است خود به یمن وجود شبکه های فرهنگی و آموزشی که به اصطلاح اهل فن "حوزه های علمی" نامیده میشود در پیوند کامل سازمانی با یکدیگر قرار داشتند و همه روستاها و شهرهای ایران را نیز با یکدیگر اتصال می دادند.

اگر به بخش بندی دوگانه که از نیروهای اجتماعی ایران شد بازگردیم همچنانکه در میان نیروهای کوچ نشین و روستایی در جنبشهای ملی نقش برجسته با ایلها بوده است در نیروهای شهر نشین به یک نهاد اجتماعی خاص برخورد می کنیم به نام بازار که عهده دار انجام وظیفه های اقتصادی در نظام ملی بوده است. این "نهاد اجتماعی" که در همه شهرها و حتی شهرک ها وجود داشته است از یکسو در کار تولید با روستاها و ایلها و نزدیک به خود در رابطه دقیق بوده و از سوی دیگر تمام شهرک ها و شهرهای ایران را به یک شبکه سراسری اقتصاد ملی پیوند می داد و داد و ستد با کشورهای خارجی را نیز تصدی می کرده است.

در ساخت اجتماعی ایران بازار یکی از عمده ترین پایه های ملی می باشد که پیوسته هم در برابر سلطه بیگانه و هم در برابر حکومت گران جدا افتاده از مردم ایستادگی می نمود، است و از زمانی که سوداگران اروپایی اقتصاد ایران را دچار تزلزل کردند بازاربانان که شکست را در اثر ناشایستگی و تباهی حکومت می دانستند بگونه جدی تری علیه دیوانیان بسیج شدند. از این گذشته به اعتقاد من بازار تنها مرکز تجاری و اقتصادی نبوده است و می توان با تحلیل دقیق تری آنرا در ساخت جامعه سنتی ایران یک مرکز سیاسی و فرهنگی نیز بشمار آورد.

یک بررسی تاریخی بخوبی نشان میدهد که جامعه روحانیت و بازار از زمانهای بسیار دور با یکدیگر آمیختگی و حتی تلفیق وظیفه داشته اند و در عصر کنونی هم آهنگی سیاسی بیشتری در کارهایشان پدید آمده است.

پس از هجوم روسها و انگلیسها به ایران، در ایراد به قرارداد تنگین گلستان و ترکمانچای، در اعتراض به بیمان باریس و بطور کلی در فراگرد جدایی بخشهای بزرگی از ایران زمین، در دفاع از قائم مقام و امیرکبیر در برابر توطئه ها، در مخالفت با دادن امتیازها و گرفتن وام های خارجی و سرانجام در دفاع از حقوق مردم و بسیاری دیگر از تلاشهای ملی همشام یکدیگر، نیروهای مردمی را یاری کرده اند.

جنبش تحریم تنباکو به رهبری مرحوم حاج میرزا سید حسن شیرازی و مرحوم حاج میرزا حسن آشتیانی و پس از آن در انقلاب درخشان مشروطیت که با شرکت فعالانه علماء و مجتهدان طراز اول نجف اشرف همچون مرحوم ملا کاظم خراسانی و مرحوم ملا عبد الله مازندرانی و علامه بزرگ شیخ حسین نائینی و در تهران با کوشش دو سید بزرگوار حضرت آیت الله سید عبد الله بهبهانی و حضرت آیت الله سید محمد طباطبائی به ثمر رسید و نقش برجسته ای که بازاریان در این هردو جنبش داشتند نمودار این اتحاد مقدس است .

تکیه ای که در گذر امروز من بر ارزش تاریخی جامعه روحانیت و بازار در تلاشهای ملی وجود دارد هرگز دلیل نادیده گرفتن نقش بزرگ دیگر گروههای اجتماعی همچون کشاورزان و کارگران و نیروهای اصلی اجتماع هستند و نیز روشنفکران واقعی نمی باشد .

هفتاد و دو سال پیش با هم آهنگ سازی همه نیروهای ملی آزادگان این آب و خاک در نبرد پیگیر غسول استبداد را که یکسره تسلیم آزمندیهای استعمار بیگانه شده بود از یای در آوردند و با انقلاب مشروطیت به نفعی نظام مردم سالاری دست یافتند و قانون اساسی و متم آنها از خود بیادگار گذاردند .

پس از ثمر رسیدن این انقلاب بزرگ با آنکه حکومت قانون استقرار یافت و "قوای مملکت ناشی از ملت" شناخته شد از شدت سیمه علیه استقلال ملی و علیه آزادیهای فردی و اجتماعی ایرانیان کاسته نگردید و در ایسن مدت دراز نبرد میان نیروهای مردمی از یکسو و سلطه گران بیگانه و دست نشاندهگان داخلی آنها از سوی دیگر همواره در جریان بوده است .

در این بیکار هرگاه همه گروههای اجتماعی وحدت عمل می یافتند پیروزیهای درخشان بدست می آمد که بهترین نمونه آن را می توان نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق (صلوات جمعیت) دانست . اما ارتجاع که وظیفه دار حفظ سلطه بیگانه می باشد با رها به دست آویز "اصلاحات" به حقوق اساسی مردم تجاوز کرده و با برقراری استبداد جامعه ایرانی را به فساد دلخواه خود کشانده است .

با اینهمه آزمونهای تاریخی در جهان ملتها این حقیقت را به اثبات رسانده که هیچ انقلاب واقعی و دگرگونی اقتصادی و اجتماعی در پرتو استبداد که ناگزیر در دامان بیگانه پناه می جوید و استقلال را فدای بقای خود می کند میسر نگردیده و اختناق ره آوردی جز نابود کردن حیثیت ذاتی بشر و رواج تمسق و درهم شکستن ارزشهای اخلاقی و گسست فرهنگی و سرانجام ویران سازی ساخت جامعه نداشته است . در پانزده سال پیش که کردارهای سیاسی نظام کونی به دنبال صحنه سازی های چند نام "انقلاب" به خود گرفت جنبه ملی ایران با آگاهی و درست اندیشی دورنمای جامعه ویران شده و زیر سلطه مامسروز ایران را پیش بینی کرد و ندا داد "اصلاحات آری، دیکتاتوری نه" .

در آن هنگام این ندای حق طلبانه که یشتیانی همه گروههای اجتماعی را برانگیخت و جامعه روحانیت نیز به پیشوایی حضرت آیت الله العظمی خمینی (صلوات جمعیت) در خط دفاع از آزادی و استقلال ایران قرار گرفت و در کل جامعه روح ایستادگی و پایداری را نیرو بخشید .

اما دستگاه استبداد به این جنبش گسترده با زندان کردنها و سپس کشتار جمعی مردم بی پناه، پاسخ گفت و با برقراری حکومت نظامی و انجام انتخابات تقلبی و زیر فشار قرار دادن حزبه‌ها و جمعیت‌های ملی و تبعید مرجع تقلید شیعیان جهان سر نوشت کشور را به عده‌ای واگذار کرد که سیاست خاصی آنها را گرد هم آورده و از آنها "کانونی" ساخته بود برای اجرای برنامه‌های حساب شده.

در ابتدا حسنعلی منصور و بعد از خارج شدن وی از صحنه، امیرعباس هویدا بر کرسی نخست وزیری ایران تکیه زدند و با دست باز بزرگترین فرصت‌های تاریخی این کشور را برباد دادند و ایران را به روز سیاه کونی که از هر سو در لبه پرتگاه قرار گرفته، نشاندهند.

ایستادگی پیگیر همه گروه‌های اجتماعی در برابر تجاوزهای پایان ناپذیر به "حقوق ملت" که به شکل‌های گوناگون مبارزاتی نمایان شد همراه با شکست برنامه‌های ادعایی "اصلاح و انقلاب" دستگاه حاکمه را بسط افزایش فشارهای غیرقانونی کشانید و با بنیادگذاری حزب واحد که خود نشانه بارز وجود استبداد است به صحنه سازی جدیدی دست زد.

وظیفه اصلی این حزب پاسداری از انقلاب ادعایی می‌باشد که اکنون نوزده ماده دارد، انقلاب ادعایی که هرگز به ملت ایران فرصت اظهار نظر درباره آن داده نشده است.

برای نشان دادن شکست این ادعاهای میان تهی لزومی ندارد که سند و مدرکی ارائه شود زیرا یک نگاه کوتاه به زندگی روزمره مردم، به کمبود و گرانی غذا و مسکن، به نارسایی برق که در عقب افتاده ترین کشورهای هم کمتر نمونه آن دیده می‌شود، به خطر بی‌آبی که دارد خودنمایی می‌کند و همین دو روزه مردم تهران شاهد بی‌نظمی در توزیع آن بودند، کافی است تا رسوایی این صحنه سازیه‌ها آشکار شود با اینهمه چند نمونه از کار بیگیر دوستان کارشناسم را که در زمینه‌های گوناگون انجام گرفته برایتان بازگو کنم.

پیش از ارائه این نمونه‌ها جا دارد یادآور شوم همچنانکه همه چیز در کشور ما بیبازی گرفته شده، آمارگیری و آماردهی هم بازچه دست دستگاه استبداد قرار دارد و کشور از داشتن آمارهای درست که بخوبی ناکامی این برنامه‌های ادعایی را نشان می‌دهد بی‌بهره است.

دستگاه استبداد روشنفکر نمایان خود فروخته را بخدمت گرفته است و درگاه لزیم آمارهای دروغین تحویبیل می‌دهد تا شکست را پرده پوشی کند.

چند نمونه‌ای که گفتم و مأخذ آن آمارهای رسمی خود دستگاه استبداد می‌باشد روشن می‌سازد که اگر می‌گوئیم کشاورزی به انهدام کشیده شده! درست است، اگر می‌گوئیم آموزش و پرورش نارسایی دارد! درست است، اگر می‌گوئیم اصلاحات ارضی دروغ از آب درآمد! درست است.

در يك جدول مقدار زمین بخش اعظم خانوارهای روستایی و بخشی از مالکان با مقدار زمینی که در اختیار دارند دیده میشود .

قرار بود زمینهای کشاورزی را از گروهی (مالکان قبلی) بگیرند و تقسیم کنند تا همه کشاورزان زمین دار شوند ! نخست باید توجه داشت که در اصلاحات ارضی سی و پنج تا چهل درصد خانوارهای روستایی را خوشنشین تلقی کردند و حتی يك وجب زمین به آنها ندادند .

اما جدول ، در این جدول تعداد خانوارهای بهره بردار و مقدار زمینی که این خانوارها در اختیار دارند ذکر گردیده و نشان میدهد که تعداد $۱ / ۰۸۷ / ۰۰۰$ خانوار روستایی فقط $۸۶۷ / ۰۰۰$ هکتار زمین در اختیار دارند یعنی بطور متوسط هر خانوار کمتر از دو هکتار که آگاهان فن میدانند در این مقدار زمین هیچ کاری نمیشود کرد و $۱ / ۰۰۰$ خانوار روستایی $۲ / ۱۷۳ / ۰۰۰$ هکتار زمین در اختیار دارند یعنی بطور متوسط هر کدام از این خانوارها بیش از صد هکتار .

بدین ترتیب ۶۰٪ خانوارهای بهره بردار روستایی بطور تقریبی يك سوم زمینهای را در اختیار دارند که ۱٪ خانوارهای بهره بردار از زمینهای کشاورزی .

البته بقیه خانوارهای بهره بردار روستایی در این فاصله قرار گرفته اند و دو تا صد هکتار زمین دارند . بیشتر این خانوارهای کم زمین و بیشتر این خانوارهای بی بهره مانده از زمین و خوشنشین شناخته شده هستند که امروز بجای کار تولیدی خود از روستا بیرون آمده بلیط بخت آزمایی میفروشند و ماشین پایی می کنند یا در گوشه و کنار شهر بساط می اندازند . (۱)

این يك روی سگه "اصلاحات ارضی" است اما روی دیگر آن ، میزان کاهش قنوات ایران و کاهش آبدهی این قنوات از سال ۱۳۲۳ تا سال ۱۳۵۳ .

بیش و کم آگاه هستید که کشاورزی گسترده میهن ما با آن تولید فراوان از آب قنات و کاریز که از ابداعهای خاص ملت ایران است و برای این فلات و آب و هوای آن ساخته شده بود بهره برداری میکرد .

این جدول نشان می دهد که در سال ۱۳۲۳ تعداد قناتهای ایران $۲۱ / ۶۰۰$ رشته و در سال ۱۳۵۳ تعداد آنها $۱۴ / ۷۷۸$ رشته بوده است و متوسط آبدهی هر قنات از $۲۷ / ۲۵$ لیتر در ثانیه در سال ۱۳۲۳ به $۱۳ / ۳۵$ لیتر در ثانیه در سال ۱۳۵۳ رسیده که بدیهی است علت کاهش تعداد و بازدهی آب قناتها گذشته از افت کشاورزی وجود چاههای عمیق و نیمه عمیق می باشد که وسیله ثروتمندان شهری و روستایی زده شده است .

توجه داشته باشید استفاده از چاههای عمیق و نیمه عمیق بجای قنات که روش سنتی آبیاری در ایران بوده است ، خود موجب تزلزل در کار کشاورزی و وابستگی آن به محصولات صنعتی که باید از خارج از کشور وارد گردد ، میشود . (۲)

بالاخر آماری از میزان تولید کتدم در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ زمانیکه "اصلاحات ارضی" این انقلاب بزرگ به تکامل رسیده است و باید نتیجه آن بخوبی نمایان می‌شود.

در سال ۱۳۵۲ تولید کتدم - ۴ / ۵۴۶ / ۰۰۰ تن بود در سال ۱۳۵۳ تولید آن - ۲ / ۸۸۶ / ۰۰۰ تن بود است یعنی بعین شکل در ظرف یکسال کا هشر میزان تولید کتدم نزد یک به د و میلیون تن رسید مو این نشان مبارز شکست "اصلاحات ارضی" وثابت کنند و ادعای ماست برنا بودی کامل کشاورزی ایران . (۳)

ماد در سال ۱۳۳۲ آنقدر کتدم تولید کرد بودیم که پس از سقوط دولت د کثرت صدق (صلوات جمعیت) مد تهسا کتدم برداشت شده در آن سال به شیخ نشینها و عراق میرفت و پول آن به ایران میآمد .

آموزش و پرورش

در اینجاست که به وجود دل رچند پرسش تکیه می‌کنم ، بطور معمول جمعیت از شش ساله به بالا را جمعیت آماد ه - باسواد شدن تلقی می‌کنند .

برای اختصار تعداد بیسواد هارا از سال ۱۳۳۵ به بعد مورد نظر قرار مید هیم و می‌نویسیم جفا رسائی هائی را نشیاب مید همد .

در سال ۱۳۳۵ تعداد بیسواد - ۱۲ / ۱۵۴ / ۰۰۰ نفر بود کتدم در سال ۱۳۴۵ به - ۱۲ / ۳۱۱ / ۰۰۰ نفر بود در سال ۱۳۴۷ به - ۱۴ / ۵۶۲ / ۰۰۰ نفر بود در سال ۱۳۵۰ به - ۱۴ / ۰۹۵ / ۰۰۰ نفر بود در سال ۱۳۵۱ به - ۱۴ / ۷۶۲ / ۰۰۰ نفر رسید ه است . این توضیح را بد عم ، از سال ۱۳۵۲ که دستا حاکمه بی بسرد ارقام دارد طشت رسوائی هارا از بام به بائین می اندازد ، د پتر آمار د رستی بد ست نداد . پژوهشگران واقعی آمار شائی را با همزار رحمت از لابلای هزاران سند بیجید ه بد ست میآورند ولی د یکرد رسیاری از زمینه هسا اجتماعی ، آماری وجود ندارد تا ادعا غا و کترانه گوئیهای دستا استبداد بتواند به کرسی بنشیند ، تکه قابل توجه اینکه تعداد دوازده میلیون نفر بیسواد در سال ۱۳۳۵ پیوسته روبه افزایش بود ه و در سال ۱۳۵۱ نزدیک به پانزده میلیون نفر رسید ه است .

میگویند جمعیت هم افزایش یافته ه ، درست ولی باید پرسید دولت وظیفه دار چیست ؟

وظیفه دار پیش بینی ، طرح ریزی ، پیاد ه کردن طرحها و جلوگیری از مصیبت هها نه تسلیم حوادث شدن ، نه تسلیم فزونی جمعیت کرد یسدن .

طبق آخرین آمار از جمع بیست و سه میلیون جمعیت از شش ساله به بالا هنوز بیش از چهارده میلیون نفر بیسواد نسه و به این ترتیب تعداد بیسوادان طبق روند گذشته روبه افزایش است و این میرساند که برنامه های آموزششس جوابگوی افزایش جمعیت نیست ، باروشگد شته هر کز موفق به ریشه کنی بیسواد ی در جامعه ایران نخواهیم شسد . (۴)

جدول د و مراجع به جمعیت لازم التعلیم کشور در سال ۱۳۵۱ است ، ماز لحاظ فنی جمعیت لازم التعلیم به جمعیت شش تا نوزده ساله اطلاق میشود .

در این سال کل جمعیت شش ساله تا نوزده ساله - /۰۰۰ /۶۸۶ /۱۰ نفر بوده است ، تعداد با سواد آن - /۰۰۰ /۷۳۵ /۵ نفر و تعداد بی سواد - /۰۰۰ /۱۵۱ /۴ نفر ، از لحاظ تقسیم بندی سنی در برش سنی شش تا نه ساله - /۰۰۰ /۵۶۵ /۳ نفر جمعیت که - /۰۰۰ /۱۱۳ /۱ نفر با سواد و - /۰۰۰ /۴۵۲ /۲ نفر بی سواد یعنی تعداد بی سوادان دو برابر با سوادان است و در برش سنی ده تا چهارده ساله - /۰۰۰ /۶۰۷ /۴ نفر جمعیت که - /۰۰۰ /۸۵۳ /۲ نفر با سواد و - /۰۰۰ /۲۱۴ /۱ بی سواد و در برش سنی پانزده تا نوزده ساله - /۰۰۰ /۰۵۴ /۳ نفر جمعیت - /۰۰۰ /۷۶۹ /۱ نفر با سواد و - /۰۰۰ /۲۸۵ /۱ نفر بی سواد .

پس از ده میلیون نفر جمعیت لازم التعليم که سن آنها بین شش تا نوزده سال بوده است ، حدود پنج میلیون نفر آن بیسواد مانده اند و در حقیقت با وجود قانون تعلیمات اجباری که همیشه با تبلیغات گسترده ای از آن یاد مینمایند در سال ۱۳۵۱ نتوانسته اند نیمی از جمعیت مزبور را با سواد کنند . (۵)

بدنبال این سخنان چند پرسش از پاسداران انقلاب دارم .
چند درصد دانش آموزانی که در سال ۱۳۵۱ به دبستان رفته اند اکنون به تحصیل مشغولند ؟ دوستان من می گویند بنا بر بررسیهای انجام گرفته در میان روستائیان افت تحصیلی برای فاصله سنی ده تا چهارده سالگی ۸۰٪ محصلان بوده است و در میان شهرنشینان در همان فاصله سنی این افت بطور تقریبی برابر با ۵۰٪ می باشد .

پرسش دوم ، چند درصد روستازادگان که ۶۰٪ جمعیت ایران را تشکیل میدهند به دانشگاهها و مدارس عالی راه می یابند ؟ پاسخ این پرسش را مقامات رسمی ۶٪ تخمین میزنند ولی پژوهشگران واقعی آنرا در حدود ۱٪ می دانند .

اینک برسیم به یکی از شاهکارهای دیگر دستگاه حاکمه ، آمارهایی درباره بازرگانی خارجی یا واردات و صادرات ، دروازه ای که گشوده اند تا درآمد سرسام آور نفت ایران را به جیب خارجیان سرازیر کنند .
کل واردات و صادرات در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ :

در سال ۱۳۵۴ جمع کل واردات ۱۳ / ۳۲۷ / ۱۲۶ تن به ارزش ۱۲ / ۶۰۱ / ۴۴۱ / ۸۱۹ / ۸۰۰ ریال و در سال ۱۳۵۵ وزن واردات ۱۳ / ۸۲۴ / ۱۲۸ تن که ارزش آن ۱۰ / ۷۶۴ / ۱۱۸ / ۱۰۱ ریال بوده است .
به جمع کل صادرات در مقایسه با آن ارقام بخوبی توجه کنید ، جمع کل صادرات در سال ۱۳۵۴ از لحاظ وزن - /۰۰۰ /۲۷۰ /۱۸۹ /۱ تن و از لحاظ ارزش - /۰۰۰ /۷۲۶ /۶۶۰ /۴۰ ریال بوده ، یعنی درست یک بیستم واردات .

کل صادرات در سال ۱۳۵۵ از لحاظ وزن ۷۱۲ / ۷۴۵ تن یعنی حتی نسبت به سال قبل رو به کاهش بوده و جمع ارزش آن - /۰۰۰ /۸۴۸ /۲۸ /۰۰۰ ریال می باشد ، سی هشت میلیارد ریال کجا و نهصد و یک میلیارد ریال (۶)

ترکیب واردات هم جالب توجه است ، همه اش مواد غذایی ، همه اش میوه ، حتی یک رقم در دناک ، مشروبات
الکلی فقط نه ماهه اول سال ۱۳۵۵ را برایتان من خوانم ، نه ارقام ۱۳۵۴ حیفاست نباید از آن دریغ کردیم
چون آنوقت ، روزگاری بود که ما خیلی گشاده دست عمل میکردیم ، وام میدادیم و ادعا میکردیم تا چند
صبحی دیگر جزو پنج قدرت بزرگ جهان قرار خواهیم گرفت .
در سال ۵۴ حدود ۴ / ۴۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال ، در سال ۵۵ حدود ۳ / ۷۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰
ریال پول گوسفند و گاو زنده داده ایم ، در سال ۵۴ حدود پنج میلیارد ریال و در سال ۵۵ تیز حدود
پنج میلیارد ریال برای خرید گوشت گوسفند و گاو پول داده ایم ، رقم ریزش هم هست اینجا ۵ / ۸۸۳ / ۱۰۲ / ۰۰۰ / ۰۰۰
ریال در سال ۵۴ و ۵ / ۲۳۳ / ۱۹۸۵ / ۰۰۰ / ۰۰۰ ریال در سال ۵۵ .
مرغ ۰ / ۰۰۰ / ۷۵۳ / ۵۱۶ / ۱ ریال در سال ۵۴ و ۰ / ۰۰۰ / ۵۲۵ / ۵۰۹ ریال در سال ۵۵ ، پنیر
۰ / ۰۰۰ / ۱۲۸ / ۱۹۵ / ۱ ریال در سال ۵۴ و در سال بعد ۰ / ۰۰۰ / ۳۸۱ / ۱ ریال ، کمره
حدود ۰ / ۰۰۰ / ۲۳۸ / ۲ ریال در سال ۵۴ و در سال بعد حدود ۰ / ۰۰۰ / ۸۵۷ / ۱ ریال .
موز ، موزی که وقتی ما زندگی آزاد داشتیم برای تفنن گاهی من خوردیم ولی در زندگی مصرفی که دستگاه
خاکه برای ما ساخته اگر هر روز نخوریم گوشتی که حناق میگیریم !
موز حدود ۰ / ۰۰۰ / ۴۱۷ / ۲ ریال در سال ۵۴ و ۰ / ۰۰۰ / ۲۹۳ / ۱ ریال در سال ۵۵ ،
پرتقال که میدانید بیشتر واردات آن از اسرائیل است ، کشوری که ما با آن رابطه نداریم ! و هیچگونه
رابطه سیاسی و بازرگانی نداریم !! پرتقال حدود ۰ / ۰۰۰ / ۷۱۴ / ۳ ریال در سال ۵۴ ، ارقام
از بس که نجومی است من جرأت خواندنش را ندارم ، در نتیجه اشتباه میکنم و حدود ۰ / ۰۰۰ / ۰۵۸ / ۲
ریال در سال ۵۵ ، سیب حدود ۰ / ۰۰۰ / ۰۶۰ / ۲ ریال در سال ۵۴ و حدود
۰ / ۰۰۰ / ۴۵۲ / ۱ ریال در سال ۵۵ ، گندم ۰ / ۰۰۰ / ۶۸۰ / ۲۲ ریال در سال ۵۴ و
۰ / ۰۰۰ / ۱۴۴ / ۱۳۸ / ۵ ریال در سال ۵۵ ، برنج حدود ۰ / ۰۰۰ / ۵۰۰ / ۱۰ ریال در سال ۵۴
و سال بعد حدود ۰ / ۰۰۰ / ۸۶۴ / ۵ ریال .
مشروبات الکلی ، این جزو جدانشدنی زندگی که دستگاه خاکه برای ما ساخته است ! ۰ / ۰۰۰ / ۰۸۷ / ۲ لیتر
به ارزش ۰ / ۰۰۰ / ۰۱۱ / ۲۲۴ ریال در سال ۵۴ و ۰ / ۰۰۰ / ۱۸۶ / ۱ لیتر به ارزش ۰ / ۰۰۰ / ۱۶۸ / ۲۶۷
ریال در سال ۵۵ .
بگذرید که آقا زاده ها ، از فرنگ که بر میگرددند با خود مشروبات الکلی مصرفی سال را می آورند ، بگذرید
که میلیونها لیتر به ارزش میلیونها ریال هم از راه قاچاق وارد این مملکت میشود ، این وضعی است که طبق
این آمار برای میهن ما پیش آورده اند . (۷)
دوستان کارشناس من مقدار و ارزش واردات را از کشورهای مختلف بیرون زده اند فقط به خواندن آمار
واردات از اسرائیل اکتفا می کنم ، کشوری که گفتم ما هیچ رابطه ای با آن نداریم ، اسرائیل در سال ۱۳۴۴
مقدار ۰ / ۰۰۰ / ۸ تن به ارزش ۰ / ۰۰۰ / ۴۷۶ ریال کالا به مملکت ما وارد کرده است و در سال

۱۳۵۴ مقدار - / ۰۰۰ / ۲۹ تن به ارزش - / ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۲۵۴ ریال . (۸)

اینجا فقط چند پرسش در زمینه های مختلف برای من وجود دارد ، اینگونه پرسشها اگر پاسخ من یافت .
این پنهانکاری در ردناك كه چند روز پیش نمونه ای از آنرا و نتایج فلاکت باری را كه می تواند بیار آورد
در روزنامه ها دیدید و بجای خود به آن اشاره خواهم کرد . (۹)

نمیدانم سرنوشت مملکت را به کجا خواهند رساند ، کاش به این پرسشها پاسخ میدادند و من گذاشتنم
مردم داوری کنند .

مراجع به اصطلاح ملی شده اکنون مورد استفاده چه کسانی است ؟ آقای آموزگار که طبق قانون اساسی
مسئول اداره مملکت هستید .

آیا حقیقت دارد که شخصی به نام هژیر یزدانی تمام مراتع سمنان را به انحصار خود کشیده است و اکنون
در صد است همین انحصار را در مراتع کاشان و قزوین بوجود آورد ؟

پرسش بعدی : آیا جنگلهای به اصطلاح ملی شده شمال کشور اکنون مورد استفاده چه کسانی است ؟ آیا
حقیقت دارد که بخش عمده این جنگلهای در قطعه های بسیار بزرگ به امرای باز نشسته و شاغل آرتش
واگذار گردیده است ؟

بلاخره آیا حقیقت دارد که در سال گذشته نزدیک به دو میلیارد دلار از سرمایه ثروتمندان ایرانی به خارج
از کشور رفته و صرف خرید خانه و ویلا گردیده است ؟

اینهم سخنی چند با دستگاه استبداد از زبان آمار ، باز گردیم به زمینه اصلی گفتار خود .
بیش از چهار ماه پیش در مشروح سرگشاده ای که منم یکی از امضاء کنندگان آن بودم و دو امضاء کننده

دیگر جناب آقای دکتر کریم سنجابی و جناب آقای دکتر شاپور بختیار هم اکنون در این مجلس حاضر هستند ،
ضمن بررسی کوتاهی از تنگناهای خطرناك کشور نتیجه گیری گردید که "تنها راه خلاصی از تنگناها و

دشواری هایی که آینده ایران را تهدید می کند ، ترك حکومت استبدادی ، تمکین مطلق به اصول مشروطیت ،
احیاء حقوق ملت ، احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر ، انصراف از حزب واحد ،

آزادی مطبوعات و اجتماعات ، آزادی زندانیان و تبعید شدگان سیاسی و استقرار حکومتی است که متکی
به اکثریت نمایندگان منتخب ملت باشد و خود را بر طبق قانون اساسی مسئول اداره مملکت بداند ."

اما این هشدار کوچکین تغییر در "طرز مدیریت مملکت" پدید نیارود و تنها بازتاب آن از یکسو
جایجا کردن مهره ها و دادن پست نخست وزیری به آقای جمشید آموزگار که خود از مسئولان شناخته شده

شده نابسامانیهای کنونی کشور می باشد و از سوی دیگر هرزه درایی دست اندرکاران حکومت و ناسزاگویی
و دروغزنی بصورتهای گوناگون در داخل و خارج کشور بود تا بازم دستگاه حاکمه زمان بیشتری بیسرای

جیاولگری خود فراهم آورد .
مردم میهن ما که از ناھنجارهای زندگی بستوه آمده اند از همه سوبه اعتراضهای فردی و جمعی برداخته

بشکلی که می توان گفت سالیان دراز نشانه های نارضایی عموم همه گروههای اجتماعی تا بدین پایه نمایان

نگردیدند • •

دستگاه استبداد که خود بهتر از هر کس از شکست برنامه های به اصطلاح انقلابی آگاه است و با دشواریهای روز افزون روبرو می باشد، زیرا اثر این عامل های درونی و همچنین زیر اثر دگرگونی های شگرف وضع سیاسی قدرتهای جهانی ناگزیر دست به یک مانور عقب نشینی آگاهانه زده و به عبارت دیگر تا بدست آوردن فرصت مناسب آنگاه دیکتاتوری را کدتر کرده است ولی در همین حال پایمال کردن "حقوق ملت" بشدت ادامه دارد •

هنوز در ایران چند هزار زندانی و تبعید شده سیاسی وجود دارد، آیا باور دارید که در زندانهای ایران زندانی وجود دارد که ۳۱ سال در زندان بوده است •

هنوز از آزادی مطبوعات و اجتماعات اثری دیده نمیشود، کدامیک از روزنامه های که بیست و چهار سال پیش امتیاز آنها لغو شد، یا روزنامه های که در سالهای اخیر توقیف شده اند آزاد گردیده است؟ شنیدم که دعوت نامه همین جشن را بازاریان نتوانستند در چاپخانه ای به چاپ برسانند و همانطور که دیدید بصورت دستنویس با استفاده از زیراکس تهیه شده است، آزادی وجود دارد در حد زیراکس کردن نوشته ها بطور خصوصی •

آنها که دم از آزادی مطبوعات می زنند، می گویند "بگذارید بگویند بگذارید بنویسند" به من بگویند کدامیک از نامه ها و اعلامیه های که در این چند ماه نوشته و پخش شده در روزنامه ها چاپ گردیده است؟ کدامیک از جمعیتها و حزبهای ملی که زیر بار انحلال خود به نفع حزب واحد نرفته اند باشگاه و محل اجتماع بخصوص خود را دارند؟

همین چند وقت پیش بود که حضرت آیت الله طالقانی و حضرت آیت الله منتظری پس از مدت ها بازداشت در شرایط سخت در یک دادگاه غیر علنی ارتشی هر یک به ده سال زندان محکوم گردیدند! اینست معنی آزاد سازی محیط!!

اکنون مدت سیزده سال است که حضرت آیت الله العظمی خمینی (حملات جمعیت) مرجع تقلید شیعیان جهان در خارج از کشور به حالت تبعید بسر میبرند و اگر کسی از این مرجع تقلید یاد کند تهدید بسنه مجازات میشود و حقایق را وارونه جلوه میدهند •

جمعی از مسلمانان در روز بانه هم همراه تصم گرفتند بخاطر رجعت حضرت آیت الله العظمی خمینی به ایران، بخاطر آزادی حضرت آیت الله منتظری و حضرت آیت الله طالقانی در صحن حضرت عبدالعظیم حضور بیابند، زیارت کنند و دعا •

دیدید چه چرندیاتی در روزنامه ها نوشتند، استاد بزرگوار جناب آقای دکترید الله سبحانه اینس یاره ها را در نامه ای به روزنامه کیهان دادند ولی یکی از نشانه های آزادی این بود که این پاسخ جناب نشد به همه توصیه می کنم نامه این بزرگوار را بدست بیاورید و بخوانید تا ببینید چگونه حقیقت را در کشور ماقلب می کنند و آنوقت دم از وجود آزادی می زنند • •

عزیزان و برادران من :

آزمونه‌های تاریخی چه در جهان ملتهای و چه در مبین ما نشان میدهد "ترك حكومت استبدادی" بسودون اتحاد و مبارزه صورت نخواهد گرفت و "حقوق ملت" جز از راه يك جنبش همگانی احیا نخواهد شد .
بهمین دلیل است که مردم ایران تنها يك راه در پیش رو دارند آنهم "اتحاد بزرگ" در نخستین گام "برای آزادی" اما آزادی ، آزادی راستین آنچنان با اصل استقلال کامل و با احیا فرهنگ ملی در آمیخته و اتحاد آنچنان در گرو وجود يك اخلاق مبارزاتی می باشد که ناگزیرم با همه تنگی وقت دامنه سخن را به این هر سه موضوع نیز بکشانم .

استقلال کامل :

جامعه ای دارای ساختی اجتماعی است اجتماعی که در رابطه با نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن جامعه شکل می گیرد و با گذشته های تاریخی آن جامعه و تحولات و تظوره های گوناگونش پیوستگی دارد .

بطور قطع هر جامعه ای در رابطه با جامعه های دیگر قرار داشته است و در اصل وجود جامعه یا جماعت بدون رابطه با جامعه و جماعت های دیگر تصویری ذهنی است و رابطه و پیوستگی جامعه ها و جماعتها باید در حدی باشد که به ساخت و هویت آنها آسیب نرساند .

در این مورد باید اضافه کرد که سلطه يك عامل خارجی در هر يك از رکن های جامعه چه سیاسی ، چه اجتماعی ، چه فرهنگی ، چه اقتصادی ، چه نظامی سبب خواهد شد که در کل جامعه نابسامانی پدید آید .
یعنی نمی توان ادعا نمود که جامعه ای از لحاظ سیاسی استقلال دارد در حالیکه اقتصاد آن زیر سلطه مساملهای اقتصادی یا غیر اقتصادی خارجی قرار گرفته ، یا بیان کرد جامعه ای از لحاظ اقتصادی و سیاسی دارای استقلال می باشد در حالیکه فرهنگ و حرکت های فرهنگی آن تابع حرکت های فرهنگی و خواسته های سلطه جویانه بیگانه است .

این بدان میبندد که سازمانی از بدن انسان در رابطه با عامل خارجی از قبیل سرم یا اشعه یا حرارت ویژه قرار بگیرد و ما گمان کنیم این بدن سالم و با تحرك و "قائم بالذات" است .

بهمین دلیل می باشد که برای هر نهضت انسانی در هر جای از جهان با هر اعتقاد و گرایش در وهله اول استقلال آن جامعه و دفاع از هویت اجتماعی و فرهنگیش طرح می گردد .

هیچ اصلاح و انقلاب و تحولی در جامعه های زیر سلطه امکان تحقق ندارد ، دگرگونی های ظاهری که استعمارکننده در مستعمرات بوجود می آورد و یا اصلاحهای نیم بند می که استعمار نو در برخی از جامعه ها به صحنه آورده است ، هیچکدام بنیادی نخواهد بود و تحقق پیدا نخواهد کرد .

باید در حرکت استقلال به دنبال دگرگونی ها رفت ، حتی ادعای وجود آزادی و مردم سالاری در جامعه ای که استقلال ندارد و به نحوی در رابطه با سلطه است افسانه و فریب می باشد .

بهمین جهت است که بر پایه آزمونه های ملتهای رها شده از سلطه و سر بلند جهان ، باید هر نوع جنبش را

بر این خط سیر راهنمایی کرد و اصل استقلال گامی را مقدم بر همه خواسته های خود دانست تا در گرداب تخیل ها و تصورهای واقعی گرفتار نشود .

پیش کشیدن این اصل بهیچوجه مانعی در راه "انحسار بزرگ" ایجاد نمی کند و برعکس بر پایه پذیرش اصل استقلال کامل همه دسته ها و حزبها و گروههای اجتماعی می توانند گرد هم آیند ، تکرار می کنیم تمام دسته ها و حزبها و گروههای اجتماعی می توانند و باید اصل استقلال را خمیرمایه نهضت خود قرار دهند .

بی شک با این مبارزه انسانی و میهنی که دکتر مصدق آنرا "موازنه ملی" و مدرس ، این بزرگ را در مورد تاریخ آنرا "موازنه عدلی" می نامند در درازمدت اندیشه ها و سلیقه های گوناگون ملی خط سیر واحد میزاید خواهند کرد ، هم بیماریها بهتر شناخته می شوند و هم درمان بیماریها ، سردرگمی کمتر میشود و ذمه گرای ها جای خودشان را به واقع گرای ها خواهند داد .

فرهنگ ملی :

فرهنگ هر جامعه ای روان آن جامعه است و اگر در جامعه ای فرهنگ وجود نداشته باشد آن جامعه مرده است و مردمش انبوه بشمار میروند و نه فرد های کوشنده و بهم پیوسته و هم آهنگ یا جمع پوینده و سازنده .

در طی تاریخ ایران پیش از اسلام ، میهن ما توسط یونانی ها و روسها از غرب و قوم های آسیای میانه از شرق مورد تاخت و تاز قرار گرفته است .

این حمله ها اغلب بر نهاد های سیاسی و نظامی و سازمانهای اقتصادی ایران آسیب فراوان وارد ساخته ولی فرهنگ ایرانی با ساخت استوار و پویا و سازنده خود نه تنها آسیب نمی دید بلکه به ترمیم نهاد های آسیب دیده نیز می پرداخت و آنها را در خط حرکت سالم اجتماعی قرار میداد و در زمانهایی هم قادر بود قوم های حمله کننده و یورش آورنده را در خود استهلاک دهد و از بخشهای سازنده فرهنگ انسان نیز طرف ببرند .

این ویژگی در دوران پس از اسلام نیز بخوبی نمایان است ، ترکان و مغولان با تمام ضربه هایی که به ایران وارد کردند در نسلهای بعد ، خود تسلیم فرهنگ ایرانی شدند و ساخت و هویت فرهنگی ایران نیز برقرار ماند تا آنجا که توانایی داشت به دوباره سازی نهاد های آسیب دیده نیز بپردازد .

اما در دو قرن گذشته امپریالیسم و قدرتهای استعماری تنها از یکسو جامعه ما را مورد حمله قرار دادند و علاوه بر یورشهای سیاسی و نظامی و اقتصادی ، فرهنگ و ارزشهای ملی و دینی و معنوی ما نیز در عرصه حمله قرار گرفت و با وارد کردن ضد ارزشها و گسترش فرهنگ استعماری و ضد ایرانی و تبلیغ شبانسه روزی آن ، بندهای فرهنگ و دیگر نهاد های جامعه را بریده اند و در نتیجه سلطه بر دیگر نهادها را سهل تر ساخته اند و از همین راه در کن جامعه نابسامانی بوجود آورده اند .

دو قرن است که از اروپا و ارزشهای اروپا سخن می گویند ، پنجاه و پنج سال است که با پتک بر سر مردم

می‌گویند و او را بی‌ارزش، ناشایسته، بیمار، عقب‌مانده و وحشی بحساب می‌آورند.
نتیجه آن اینست که امروز می‌بینیم هر چه ایرانی است بی‌ارزش است، میهن و میهن‌دوستی هم‌دیف با
دیوانگی و جنون است! دوستی مردم و خدمت به خلق بلاهت و نادانی است!

هیچگاه در تاریخ ایران چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام مردم اینقدر فراری از وطن خود نبودند،
هر روز ایرانیان گروه‌ها گروه از این کشور که به دروازه‌های تمدن بزرگ رسیده است، فرار می‌کنند.

اگر مهاجرت‌های داخلی و چند مهاجرت دیگر به هند و بین‌النهرین و قفقاز را که در جمع مهاجرت در یک
خانه بزرگ فرهنگی بوده است نادیده بگیریم، این نخستین باری است که ایرانیان بخارج از محیط فرهنگی
خود فرار می‌کنند، چرا که در میهن خود اسیر هستند، از زندگی ساده انسانی بی‌بهره می‌باشند، حتی
اجازه ندارند که سرزمین خودشان را به دلخواه خود دوست بدارند، اجازه ندارند چرک و جراثیم را که
در اثر خرابکاری حکومتها بر چهره میهنشان نشسته است، پاک سازند.

بیش از یکصد و پنجاه هزار دانشجوی میهن‌دوست و آزاد‌یخواه در سرتاسر جهان اقامت دارند، اگر آنها
به میهن و ارزشهای میهنی اعتقاد دارند ولی همین گروه عظیم که می‌توانند مغزهای سازنده ایران باشند
از اختناق و فشار و رفتار ضد انسانی حکومت آنچنان بسته آمده‌اند که گهگاه اقامت در خارج و حقارت
بی‌وطنی را به آمدن به ایران و اسارت در این زندان بزرگ ترجیح می‌دهند.

این وضع در اثر بی‌فرهنگی است که نظام کونی ایران با تبلیغ دفاع از آن در خطر نابود کردن آن قرار
دارد و از آن جا که بیگانگان نیز سود خود را در بی‌فرهنگ کردن ملت‌های دیگر می‌بینند، هر روز در این
راه چه بنام جیب و چه بنام راست ماده‌های اولیه بی‌فرهنگی را در جامعه تبلیغ می‌کنند و بطور کلی
مکانیسم برخورد‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جامعه ما نیز با خارج به شیوه‌ای است که خود بخود
جامعه اسیر مصرف‌بنده ضد ارزشهای می‌شود که به شیوه‌های گوناگون چه در زندگی فردی و چه در زندگی
اجتماعی رو به گسترش نهاده است.

به عقیده من اگر حرکتی باید در جامعه ایجاد کرد، باید از زنده داشت فرهنگ و ارزشهای خودی شروع
نمود، چه دگرگونی‌های بی‌رابطه با فرهنگ در همه زمینه‌ها چه اقتصادی و چه سیاسی، بسان دگرگون
ساختن کالبد است که تا جان نداشته باشد، هیچ تحولی در آن ریشه نخواهد گرفت.

بخوبی آشکار است که فرهنگ و هویت فرهنگی تا چه اندازه با استقلال ملی هم‌آهنگی دارد و از همین طریق
است که می‌گوئیم ما به عنوان سازندگان دنیای فردای ایران زمین باید حرکت سیاسی خود را در چارچوب
استقلال ملی و هویت فرهنگی جستجو نمائیم.

اخلاق مبارزاتی:

گفتم که اتحاد "اخلاق مبارزاتی" می‌خواهند، در رابطه اخلاق و مبارزه نظر شما را به‌دو نکته جلب می‌کنم.
زمانی است که دسته‌هایی جهت "اصلاح اخلاق" گرد هم می‌آیند و کوشش‌هایی می‌کنند و گهگاه نتیجه‌های
هم‌گرفته می‌شود، در اصطلاح باین حرکت می‌گویند "مبارزه اخلاق" در جامعه.

به اعتقاد من مبارزه اخلاقی اگر در رابطه با مبارزه ملی قرار نگیرد نمی تواند در جامعه تخییرهای ژرفی پدید آورد و منشها و شخصیت ها را دگرگون سازد .

شکل دیگر کار اخلاقی که " مبارزه اخلاقی " نامیده نمیشود بلکه باید آنرا " اخلاق مبارزه " خواند ، منشها و رفتارهایی است که هر انسان مبارز سیاسی باید داشته باشد .

به عقیده من اندیشه های سیاسی و گفتگو های سیاسی و گرد هم آیی های سیاسی در حرکت جامعه اثر دارد ولی مردم آنگاه به حرکت دگرگون ساز سیاسی و اجتماعی و اقتصادی علاقمند می شوند که ببینند داعیه داران و نمایندگان آن حرکت خود دارای ارزشهایی هستند که آنها تبلیغ می کنند .

اگر يك مبارز سیاسی دروغ بگوید ، اتهام بزند ، حقه بازی کند ، به وعده های خود عمل ننماید ، به درد دوست سیاسی اش رسیدگی نکند ، چشم و زبان همزه ای داشته باشد و بعد ادعا نماید که طرفدار آزادی است ، طرفدار عدالت است ، طرفدار تساوی حقوق است ، مردم جامعه ما بدنبال چنین شخصی حرکت نخواهند کرد . تا هنگامی که مبارزان سیاسی در جمع خود نمونه جامعه آینده را نسازند و تا خود نمونه آنچه می گویند نشوند و مردم با چشم خود آن را نبینند قبول نخواهند کرد .

در صدر اسلام که مردم گروهها گروه به دین جدید می گرویدند همه اش به علت تبلیغ اندیشه ای اسلام نبود . مردم در مسلمانان صدر ، صفا و وفا ، برادری و برابری ، حقیقت گوئی و عدالت می دیدند و به اسلام می گرویدند ، آنگاه در خط شناختن بیشتر آن قرار می گرفتند .

در اسلام اولیه حیثیت ، شرف و آبروی فردی و خانوادگی هر شخص در امان بود .

" مدینه فاضله " ای بود که مردم برای بازیافتن شخصیت خود در آن وارد می شدند .

ما باید از خودمان شخصیت و شایستگی نشان دهیم تا مردم در ما کمال آرزوهای خود را پیدا کنند . ایسن کار سخت است ، بسیار هم سخت است ، جهان اکبر است اما شدنی است .

دکتر مصدق سرتاسر دوره دیکتاتوری را تحمل کرد ، زندان رفت ، تبعید شد ، رنجهای فراوان برد و گویی به مردم امتحان پس می داد ، امتحان وفاداری به ملت ، امتحان میهن دوستی ، امتحان پشت کردن به تمام امتیازهای پیشکش شده حکومت .

وقتی مردم همه امتحانها را کردند و دکتر مصدق از بونه آزمایش سر بلند بیرون آمد آنگاه به او نمره قبولی دادند و او را به عنوان نماینده اول تهران به مجلس شورای ملی فرستادند .

مردم از دکتر مصدق فقط سخنان خوب شنیدند ، بودند ، مردم فقط از دکتر مصدق مقاله های شیوا نخوانند ، بودند ، مردم فقط عاشق اندیشه های دکتر مصدق نبودند ، مردم مصدق را مردی می دانستند در خط استقلال ایران ، شیفته فرهنگ تاریخی جامعه و عمل کننده به آنچه می گوید و انسانی اخلاقی و پاک و برهیزکار بهمین سبب او را قبول کردند و پیشوای خود قرار دادند .

ما اگر مسلمانیم ، ما اگر در راه مصدق هستیم باید همه خصلتهای اخلاقی و اندیشه های درست را سرمشق قرار دهیم ، در خط استقلال ایران حرکت کنیم ، بدانیم که هیچ حرکتی بدور از فرهنگ و هویت ملی تحقق

پیدا نمی کند، خودمان را به ارزشهای اخلاقی پایبند سازیم و به آنچه میگوئیم عمل کنیم و از بدبها و رفتارها
 امری دوری گیریم، در خود آینده ایران را تحقق دهیم، جمع خود را به جمع عملی اندیشه های خود
 بدل سازیم، نمونه شویم چه فردی، چه جمعی و آنگاه ملت را برای دگرگونی اجتماعی و میهنی فرا خوانیم.
 این کردار را با استمرار دنبال کنیم، خود را بسازیم و دیگران را بخود سازی دعوت نمائیم و از آنها هم
 بخواهیم که در خود سازیشان ما را نیز بسازند و اینست فراگرد ساختن خود و جامعه دارای استقلال و آزادی.
 برادران عزیز و اگر صدایم به دورتر می رسد، هم میهنان:

زمان بس تنگ و کوتاه است، دشمنان ایران در آشفته اندیشی و تضاد، اگر نیروهای آزاد بخواند و استقلال
 طلب ایرانی، همه شخصیتها، همه سازمانها و گروههای ملی و میهن دوست، حرکت خود را بسوی اتحاد
بزرگ نظم دهند و بر بنیاد فضیلت اخلاقی و کردارهای ارزشمند فرهنگی تلاش نمایند آینده ایران از آن
 آنان، یعنی از آن بپاخاستگان راست کردار درست اندیش خواهد بود و پیروزی هم در گرو همت آنان.
 سخن گفتمی بسیار دام، اما دیگر خستگی دوستان اجازه بیشتر گفتن من نمی دهد، امید و ایم در همین
 گفتار تا آنجا که می توانستم راهی را که باید نوبت نشان داده باشم.

بگذارید از سرچشمه غنی ادبیات ایران یاری بگیرم و در برابر کسانی که ما را پیم میدهند، حقیقت را نگوئید
 فردا چنین و چنان خواهد شد، بپرسم چه خواهد شد؟!
 بدتر از آنچه در این پانزده سال بر سر ملت ایران آوردید باز هم می توانید بیاورید که ما را تهدید می کنید!
 بس تجربه کردیم در این دیر مکافات با درد کثان هر که در افتاد بر افتاد
 (صلوات و دست زدن شدید جمعیت و ابراز احساسات)

تاریخ	محل	تعداد	ملاحظات
۱۳۰۱/۱۱/۱۱	تهران	۲۰۰	...
۱۳۰۱/۱۱/۱۲	تهران	۲۰۰	...

زیرنویس‌ها

۱-

جدول تقسیم زمین به خانوارها

درصد زمین	مساحت بهربردار (زمین)	متوسط زمین هرکسره	درصد	تعداد خانوار بهربردار	گروه‌های زمین دار
۵	۸۶۷/۰۰۰	۰/۸	۴۷	۱/۰۸۷/۰۰۰	کمتر از ۲ هکتار
۱۲	۱/۸۴۵/۰۰۰	۲/۸	۲۱	۴۹۰/۰۰۰	۲ تا کمتر از ۵
۶۳	۱۰/۲۰۵/۰۰۰	۱۴/۴	۲۱	۷۱۲/۰۰۰	۵ تا کمتر از ۵۰
۷	۱/۰۶۵/۰۰۰	۲۶	۰/۵	۱۴/۰۰۰	۵۰ تا کمتر از ۱۰۰
۱۲	۲/۱۷۲/۰۰۰	۲۴۱	۰/۵	۶/۰۰۰	۱۰۰ هکتار بیشتر
۱۰۰	۱۶/۱۵۵/۰۰۰	۷	۱۰۰	۲/۳۱۲/۰۰۰	جمع

ساخته شده است، نتایج آمارگیری کشاورزی، ۱۳۵۰، قسمت دوم، مرکز آمار ایران، چاپ ۱۳۵۲

۲- (الف)

جدول میزان کاهش قنوات ایران از سال ۱۳۲۳ تا سال ۱۳۵۲

ردیف	شرح	سال	رشته
۱	تعداد قنوات ایران	۱۳۲۳	۲۱/۰۶۰
۲	تعداد قنوات ایران	۱۳۵۲	۱۴/۷۷۸

(ب)

جدول میزان کاهش آبدهی قنوات ایران از سال ۱۳۲۳ تا سال ۱۳۵۳

ردیف	شرح	سال	لیتر در ثانیه
۱	متوسط آبدهی هر قنات	۱۳۲۳	۲۷/۲۵
۲	متوسط آبدهی هر قنات	۱۳۵۳	۱۳/۳۵

مأخذ : سالنامه ۱۳۵۳ مرکز آمار ایران

- ۲ -

جدول مقایسه تولید گندم در سالهای ۱۳۵۲ ، ۱۳۵۳

ردیف	سال تولید	تن
۱	۱۳۵۲	۴/۵۴۶/۰۰۰
۲	۱۳۵۳	۲/۸۸۶/۰۰۰

مأخذ : سالنامه آماری کشور سال ۱۳۵۵ مرکز آمار ایران

جدول جمعیت ۶ ساله به بالا از سال ۳۵ لغایت ۵۱ متساوی در سال

سال	جمعیت	تعداد پسران	تعداد بیسواد
۱۳۳۵	۱۴ / ۳۶۴ / ۰۰۰	۲ / ۲۱۰ / ۰۰۰	۱۲ / ۱۵۴ / ۰۰۰
۱۳۴۵	۱۸ / ۸۴۳ / ۰۰۰	۵ / ۵۳۳ / ۰۰۰	۱۳ / ۳۱۱ / ۰۰۰
۱۳۴۷	۲۱ / ۸۵۸ / ۰۰۰	۷ / ۲۹۱ / ۰۰۰	۱۴ / ۵۶۷ / ۰۰۰
۱۳۵۰	۲۲ / ۳۲۰ / ۰۰۰	۸ / ۲۲۵ / ۰۰۰	۱۴ / ۰۹۵ / ۰۰۰
۱۳۵۱	۲۳ / ۶۹۱ / ۰۰۰	۸ / ۲۲۸ / ۰۰۰	۱۴ / ۴۶۳ / ۰۰۰

مأخذ : نشریه نیروی انسانی ۱۳۵۱

جدول جمعیت (۶ - ۱۹ ساله) لازم التعلیم کل کشور در سال ۱۳۵۱

سن	جمعیت ۶-۱۹ ساله	تعداد پسران	تعداد بیسواد
جمع	۱۰ / ۶۸۶ / ۰۰۰	۵ / ۳۳۵ / ۰۰۰	۴ / ۳۵۱ / ۰۰۰
۶-۹ ساله	۳ / ۵۶۵ / ۰۰۰	۱ / ۱۱۳ / ۰۰۰	۲ / ۴۵۲ / ۰۰۰
۱۰-۱۴ ساله	۴ / ۰۶۷ / ۰۰۰	۲ / ۸۵۳ / ۰۰۰	۱ / ۲۱۴ / ۰۰۰
۱۵-۱۹ ساله	۳ / ۰۵۴ / ۰۰۰	۱ / ۷۶۹ / ۰۰۰	۱ / ۲۸۵ / ۰۰۰

مأخذ : نشریه نیروی انسانی ۱۳۵۱

وشیر و پوست هم کردن ماه به جانب خارجه کج باشد و دست حاجت بداند سود راز کنیم *

جدول مقدار ارز شروداد از کشورهای ایالات متحده، اسرائیل و پاکستان در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۵۴
(وزن به تن - ارزش به هزار ریال)

نام کشور و سال	وزن	ارزش
ایالات متحده ۴۴	۲۸۸ / ۰۰۰	۱۱ / ۸۳۲ / ۰۰۰
" ۵۴	۱ / ۲۱۲ / ۰۰۰	۱۰۵ / ۸۲۶ / ۰۰۰
اسرائیل ۴۴	۸ / ۰۰۰	۴۲۶ / ۰۰۰
" ۵۴	۲۹ / ۰۰۰	۴ / ۲۵۴ / ۰۰۰
پاکستان ۴۴	۶ / ۰۰۰	۱۷۱ / ۰۰۰
" ۵۴	۱۸۸ / ۰۰۰	۱ / ۴۲۸ / ۰۰۰

مآخذ : سالنامه آماری کشور سال ۱۳۵۵ - مرکز آمار ایران

اشاره به این امر از خاطر سخنران رفت ولی پس از پایان سخنرانی برخی از شنوندگان توضیح خواستند ، آقای فروهر گفتند :

" تعد من اشاره به خبری بود که راجع به چگونگی نخست وزیری آقای دکتر علی امینی در روزنامه ها نوشته شده است که به اعتقاد من اگر پارلمان واقعی وجود داشت و سنشهای پارلمانی رعایت میشد این تسووع فشارها و گرفتاریها بوجود نمی آمد . مبارزانی که بمطالعه سوابق تاریخی اینگونه وقایع و موارد مشابه آن علاقمندند میتوانند به نطقهای دکتر مصدق در دوره شانزدهم هم مجلس شورای ملی در مخالفت با طرز نخست وزیر شدن سبهد رزم آرا مراجعه نمایند . "

یضاد آوری :

متن این سخنرانی از روی نوار بازنویسی و ویراسته شده است .